



از اخلاق فلسفی تا اخلاق کاربردی: راهبردهای عملیاتی رشد اخلاقی دانشگاه

احد فرامرز قراملکی*

چکیده

در این پژوهش دو مساله مرتبط با یکدیگر بررسی می‌شود: یک، بحث از دانشگاه اخلاقی و مسایل آن به کدام گستره معرفتی متعلق است؟ دو، راهبردهای عملیاتی رشد اخلاقی دانشگاه کدام است؟ مساله دوم در سیاستگذاری برای رشد اخلاقی اهمیت دارد و پژوهش نظام مند در آن در گرو پاسخ به مساله نخست است. روش تحقیق در هر دو مساله تحلیل منطقی و انتقادی است. توسعه روزافزون مطالعات در حوزه اخلاق سبب رشد سه گستره معرفتی متمایز اما مرتبط در اخلاق شده است: فلسفی، اخلاق کاربردی و اخلاق توصیفی. رویکرد دیگری به اخلاق در عمل وجود دارد که گاهی از آن به اخلاق عملیاتی تعبیر می‌شود. اخلاق عملیاتی بر خلاف اخلاق کاربردی، رویکرد غیرعلمی، مبتنی بر آزمون و خطای فردی، و فاقد هویت رشتگی است. خود داری از اخذ چنین رویکردی سبب مصونیت از عوام زدگی در تحلیل مسایل اخلاقی دانشگاه می‌گردد. بحث اثر بخش از اخلاق دانشگاه هم می‌تواند به گستره اخلاق کاربردی متعلق باشد و هم به اخلاق توصیفی مانند جامعه شناسی اخلاق متعلق باشد. در دست یابی به راهبردهای رشد اخلاقی دانشگاه از جهت سنجش وضعیت موجود اخلاقی دانشگاه در دو جهت سازمانی و منابع انسانی به اخلاق توصیفی نیازمندیم و از نظر ترسیم وضعیت مطلوب قابل تحقق در برنامه معین به اخلاق کاربردی استوار بر اخلاق هنجاری محتاجیم، زیرا رشد اخلاقی به معنای گذار از وضعیت موجود اخلاقی (بد یا خوب) به وضعیت مطلوب اخلاقی (خوب یا عالی) است. سیاستگذاری برای رشد اخلاقی دانشگاه در گرو شناخت تحلیلی و تفصیلی قلمرو اخلاق در دانشگاه است. بیان اجمالی این قلمرو چنین است: یک، امور رهبری سیاستگذاری دانشگاه؛ دو، حوزه های مدیریت پژوهشی، آموزشی، فرهنگی، امور دانشجویی، اداری و مالی به ویژه مدیریت منابع انسانی؛ سه، حوزه خدکات کارشناختی در شئون یاد شده؛ چهار، گروه های آموزشی؛ پنج، هیات ممیزه و ارکان سه گانه آن؛ شش، انتشارات و امور کتابخانه ها؛ هفت، فعالیت های آموزش و پژوهشی اعضای هیات علمی؛ هشت، فعالیت های علمی و امور رفاهی و خوابگاهی دانشجویان؛ نه، امور بین الملل و نیز امور ارتباط با صنعت و جامعه.

کلید واژه‌ها: رشد اخلاقی، اخلاق دانشگاهی، سنجش وضعیت اخلاقی، اخلاق کاربردی

مقدمه

ناکارآمدی انگاره های ناقص. تصویر های ذهنی هر فرد در تصور ها، تصدیق ها (باورها)، برنامه ریزی و اقدام های او تاثیر می کند. تصویری ذهنی از یک امر که به جای آن امر می نشیند، انگاره^۱ نامیده می شود. جانشین شدن به لحاظ منطقی یا از آن اسم است که جانشین مسمی می شود یا از آن حدّ شیء است که به جای شیء (محدود) می نشیند. انگاره نه اسم است و نه حد اما همچون اسم و حد به جای شیء می نشیند و به همین سبب شیء را معنا می کند. این معنا در فرایند شکل گیری انگاره آفریده می شود. وقتی کسی همکلاسی خود (شراره) را خرس تصویر می کند، برای او شراره یعنی خرس. انگاره ها همیشه برگرفته از استعاره نیستند. گاهی کسی از پایان نامه یا رساله دانشجویانش ارتقا نامه نقاشی می کند: پایان نامه یعنی ارتقا نامه. انگاره محدود به نقاشی ذهنی در ذهن یک فرد نیست. گاهی نقاشی های ذهنی به صورت انگاره عمومی در فرهنگ سازمانی یا گروه اجتماعی صنفی یا قومی یا ملی و حتی جهانی در می آیند (نک: فرامرز قراملکی، ۱۳۹۸). انگاره از اخلاق تاثیر فراوان عملی و نظری دارد. انگاره مدیران و رهبران سازمان ها از آن، سبب اقبال (شامل اهتمام، حساسیت، سرمایه گذاری برای ترویج اخلاق) یا ادبار و بی اعتنائی آنان به اخلاق می شود. همانگونه که انگاره دانشگاهیان و محققان از اخلاق در توسعه یا عدم توسعه دانش اخلاق موثر است، نقاشی ذهنی رهبران و مدیران هم در بازندگی یا بالندگی اخلاقی تاثیر پایدار و فراخ دامن دارد. در اینجا به دو انگاره از اخلاق اشاره می شود که نقش بازدارندگی در توسعه عملی و معرفتی اخلاق دارند. انگاره نخست که در اذهان اغلب سیاستگذاران و مدیران و نیز اهل قلم و سخن در حوزه اخلاق رواج دارد، پند انگاری اخلاق است: تحویل اخلاق به مشتی پند و پیمان. این انگاره سبب رواج ساده انگاری و عوام زدگی در اخلاق شده است. توجه نکردن به اینکه اخلاق دانش و فن آوری تغییر و اصلاح رفتار است، حاصل این انگاره است. پند انگاری اخلاق مانع احساس نیاز برخی از رهبران دانشگاه ها به متخصصان اخلاق شده است. همین نقاشی ذهنی از اخلاق، مانع رشد دانش اخلاق به مثابه رشته گردیده است. عده ای بدون آن که از دانش اخلاق بهره مند باشند، وارد عرصه عملیات در اخلاق می شوند و با سخنان بدون پشتوانه پژوهشی به تحلیل مسائل پیچیده اخلاقی می پردازند. تعبیر اخلاق عملیاتی^۲ به این گرایش اشاره دارد. آن را نباید با اخلاق کاربردی^۳، به مثابه یک گستره معرفتی، اشتباه کرد.

1- image

2- operational ethic

3- applied ethics

انگاره دوم اخلاق فلسفی دیدن همه قلمرو گوناگون اخلاق است. بحث از دانشگاه اخلاق مدار به لحاظ گستره معرفتی به اخلاق آموزش عالی متعلق است. اگر آموزش عالی را حرفه تلقی کنیم، اخلاق آموزش عالی از شاخه های اخلاق حرفه ای است. اخلاق حرفه ای بر حسب متعلق خود، یعنی بر حسب گوناگونی حرفه ها، تنوع می یابد. اخلاق حرفه ای، شاخه ای از اخلاق کاربردی است. در جهان صنعتی کمتر فیلسوفی را می توان یافت که در حوزه اخلاق فلسفی (فرا اخلاق یا اخلاق هنجاری) تخصص داشته باشند و با حوزه های جدید اخلاق کاربردی آشنا نباشند. اگر چنین فیلسوفی وجود داشته باشد در آستانه دو دام معرفتی و غیر معرفتی قرار می گیرد. دام نخست آن است که وی به دلیل حصر توجه به اخلاق فلسفی و بی خبری از قلمرو های جدید گستره معرفتی اخلاق، به تدریج فرا اخلاق یا اخلاق هنجاری را به مثابه انگاره و نقاشی ذهنی در می آورد و احکام این دو گستره معرفتی اخلاق را به اخلاق کاربردی نیز منطبق می کند. این انگاره یا به تحویلی نگری یا تقلیل نگری یا به حذف قلمرو اخلاق کاربردی می انجامد. اخلاق فلسفی گستره واحد معرفتی است و شاخه های گوناگون ندارند، اگرچه در این گستره معرفتی مکاتب گوناگون وجود دارند. این نقاشی ذهنی از اخلاق ممکن است فیلسوف خُبره در حکمت متعالیه را در دام این گمان حصر گرایانه بیافکند که اصول و مبانی اخلاق همان اخلاق ارسطو است و بس. اما اخلاق کاربردی، بنا به تعریف، شاخه های گوناگون دارد. کسی که اخلاق را همان اخلاق فلسفی یا اخلاق هنجاری می انگارد، شاخه های گوناگون اخلاق کاربردی را بر نمی تابد و آن را تفریع بیهوده می پندارد. دام دوم آن است که در جمله حکمت آموز حضرت امیرالمومنین به آن اشاره شده است: «الناس اعداء ما جهلوا: مردم دشمن آنند که نمی دانند»^۱. بی خبری از قلمروهای جدید دانش اخلاق سازوکارهای روانی از جمله دشمنی با آن ها را به میان می آورد. گاهی دشمنی برخاسته از بی خبری، آبروی حرفه ای و علمی فرد را صرف مبارزه با امری می کند که از آن بی خبر است، نتیجه چنین انگاره ای از اخلاق، محرومیت از دانش، فنآوری و الگوهای عملیاتی رشد اخلاقی در حرفه ها و سازمان ها از جمله دانشگاه است. توجه نکردن به تمایز و ارتباط تنگاتنگ اخلاق کاربردی با اخلاق هنجاری (فلسفی) از موانع معرفتی دستیابی به الگو، فن آوری و ابزارهای اثر بخش رشد اخلاقی دانشگاه است. بنابر این باید جدایی و ارتباط اخلاق دانشگاهی به مثابه شاخه ای از اخلاق کاربردی از اخلاق فلسفی و اخلاق عملیاتی بیان شود. بحث یاد شده مقدمه ای برای بیان الزام های عملیاتی در رشد اخلاقی دانشگاه است.

این سخن در کلمات قصار نهج البلاغه در دو موضع و به یکسان آمده است: سید رضی؛ (۱۳۶۹) نهج البلاغه، اهتمام و ترجمه محمد دشتی، کلمات قصار، ۱۷۲ و ۴۳۸^۱

گستره های معرفتی سه گانه اخلاق

امروزه دانش اخلاق به سبب توسعه خیره کننده مطالعات در این حوزه، از دانش واحد فراتر رفته و به دانش های گوناگون اخلاق مبدل شده است.

یک، اخلاق فلسفی

یا فلسفه اخلاق دارای دو قلمرو متمایز اما مرتبط است: گستره نخست، تبیین به سامان و موجه فضایل و رذایل یا باید ها و نباید ها یا هنجارهای اخلاقی به طور عام است. این قلمرو را اخلاق هنجاری [نظری] گویند. قلمرو دوم، تحلیل مبادی تصوری و تصدیقی و به طور کلی مبانی علم اخلاق هنجاری^۱. این قلمرو فرا اخلاق^۲ نام دارد. اخلاق فلسفی رویکرد فلسفی به معنای تحلیلی، انتقادی و منطقی دارد و اخلاق را به نحو کلی و بدون تخصص آن به قلمرو معینی از زیست انسانی بحث می کند. به همین سبب آن از دانش های مضاف نیست و تخصیص آن و شاخه شاخه کردن در آن راه ندارد. البته امروزه فیلسوفان اخلاق قانع شده اند که اعتبار دیدگاه های فلسفی خود را در میدان نمونه های عینی بررسی کنند و این امر ارتباط وثیق بین اخلاق فلسفی و اخلاق کاربردی را به میان آورده است.

دو، اخلاق کاربردی

کاربست انتقادی و تحلیلی اخلاق هنجاری در موقعیت معین از زیست انسانی است. کاربست انتقادی و تحلیلی آن را از طرفی از اخلاق فلسفی (فرا اخلاق و اخلاق هنجاری) و از طرف دیگر از اخلاق عملیاتی، در اصطلاح خاصی که در اینجا به کار می بریم، جدا می کند. جدایی اخلاق کاربردی از اخلاق فلسفی، به معنای نفی ارتباط نیست. این کاربست از طرفی اخلاق کاربردی را نه تنها با مسایل فلسفی بلکه با مسایل چند تباری مرتبط می کند که پاسخ به آن ها مستلزم اخذ رویکرد بینا رشته ای است. از سوی دیگر موقعیت معین دارای گوناگونی است مانند زندگی شخصی، زندگی شغلی، زندگی شهروندی و مانند آن ها است. این تنوع سبب می شود اخلاق کاربردی بر خلاف اخلاق فلسفی مضاف و دارای شاخه های بسیار متنوع باشد: از اخلاق خانواده تا اخلاق شهروندی و تا اخلاق دانشگاهی یا اخلاق حرفه ای به طور کلی. کاربست انتقادی و تحلیلی اخلاق فلسفی در موقعیت معین در برابر کاربست خام قرار دارد و مرز کاربست خام و کاربست انتقادی در روشمندی، موجه بودن و نیاز به چارچوب نظری و معرفتی است. کاربست انتقادی و تحلیلی نشان می دهد که اخلاق کاربردی محدود به حوزه عملیاتی به معنای بی نیازی از معرفت و خرد جمعی نیست بلکه به مثابه دانش باید دارای

1- normative ethics

2- meta-ethics

چهار چوب نظری، روش، مبانی، الگوها و ابزارهای علمی باشد و این امر اخلاق کاربردی را از اخلاق عملیاتی جدا می‌کند.

سه، اخلاق توصیفی

گستره معرفتی است که به توصیف و تبیین هنجارهای اخلاقی آن گونه که هستند و به مثابه واقعیتی در زیست فردی یا اجتماعی انسان می‌پردازد. در این گستره‌ها یا مطالعات زمینه‌کاوی در میان است و یا ژرفتر از آن مطالعات همبستگی دو یا چند متغیره در میان است. اخلاق توصیفی مانند اخلاق کاربردی شاخه‌ها بلکه گستره‌های گوناگون مانند بیولوژی اخلاق، روانشناسی اخلاق، جامعه‌شناسی اخلاق، پدیدارشناسی اخلاق، مطالعات تاریخی اخلاق^۱ و ... دارد. روش در این گستره‌ها تجربی و رویکرد میان‌رشته‌ای است.

دانش اخلاق گستره‌های دیگری نیز دارد که پرداختن به آن‌ها موضوع این مقاله نیست. منطق و روش‌شناسی اخلاق امروزه گستره جدیدی است که در آن هم به نحو هنجاری از منطق بایایی^۲ جملات اخلاقی سخن می‌رود و هم به نحو تحلیل انتقادی و تطبیقی از روش‌شناسی‌های رایج در دانش اخلاق بحث می‌شود.

رشد اخلاقی دانشگاه: از رشته‌گزیزی تا میان‌رشته‌ای. امروزه اخلاق آموزش

عالی از حوزه‌های مطالعاتی مهم و متحول است. نشریه‌های گوناگونی پژوهش‌های این حوزه را منتشر می‌کنند. کتاب‌ها و همایش‌های بسیار فراوان در دانشگاه‌های گوناگون بر ادبیات علمی این حوزه می‌افزاید.^۳ اقبال اهل قلم و بیان در ایران به بحث‌های اخلاق دانشگاه در دهه اخیر سبب پیدایش ادبیات قابل توجهی از تالیف، ترجمه، گزارش و مانند آن‌ها شده است. این مباحث را به لحاظ رویکرد می‌توان بر سه دسته تقسیم کرد: دسته نخست رویکرد رشته‌گزیز اند. مراد از رشته‌گزیزی عدم توجه به اخلاق به مثابه گستره معرفتی، دانش و رشته و پای بند نبودن به لوازم رشتگی و چارچوب نظری دانش یا دانش‌های اخلاق است. این رویکرد عامیانه حجم قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. گروه دوم، رویکرد ملترزم به رشتگی همراه با حصرگرایی است. محققان یک گستره معرفتی مانند مدیریت، روانشناسی و جامعه‌شناسی بر پایه مبانی و چارچوب نظری رشته خود و بدون توجه به ره‌آوردها و رهیافت

۱- به عنوان نمونه پژوهشی را می‌توان نام برد که با مطالعه تاریخی در قلمرو شرق عباسی نشان می‌دهد که انتصاب دیوان‌ها بر اساس احراز شایستگی‌های اخلاقی مناسب با آشوب‌های شهری نسبت معکوس دارد: منتظری غلامرضا، (۱۳۸۴) شروط احراز مناصب دولتی در عصر عباسیان (قلمرو شرقی)، رساله دکتری، استاد راهنما دکتر هادی عالم زاده، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

2- deontic logic

3- See: Journal of Higher Education Ethics, Texas A&M University Inc.

Also see: Journal of Higher Education Ethics, Hampton: Socratic Publishing Inc.

های سایر گستره های معرفتی به بحث از مسایل اخلاقی دانشگاه می پردازند. گروه سوم که حجم بسیار اندکی از مطالعات را به خود اختصاص می دهد، رویکرد میان رشتگی است. مسایل اخلاقی در آموزش عالی به ویژه رشد اخلاق سازمانی و فردی در دانشگاه مسایل چند تباری اند و ریشه در گستره های گوناگون دارند. تحلیل مسایل چند تباری نیازمند به اخذ رهیافت های میان رشتگی است.

بدون رهیافت میان رشتگی نمی توان به الگوی اثربخش رشد اخلاقی دانشگاه دست یافت، زیرا رشد اخلاقی دانشگاه که شامل رشد اخلاقی اعضای خانواده دانشگاه اعم از دانشجو، کارمندان و هیات علمی و رشد اخلاق سازمانی است، در دانش های گوناگونی همچون اخلاق فلسفی، مدیریت، جامعه شناسی، روانشناسی، اقتصاد، دانش سیاست و حقوق ریشه دارد. اخذ رهیافت حصرگرایانه اگرچه در نسبت با رویکرد رشته گریزانه قابل اعتماد است اما ممکن است سبب تحویلی نگری، یک بعدی نگری و عدم تشخیص دقیق مسایل و ناکامی در حل آن ها گردد.

اخذ رویکرد میان رشته ای در تحلیل مسایل اخلاق دانشگاه مستلزم سه عنصر است: کثرت گرایی در منابع، کثرت گرایی در رهیافت ها و الگوهای پژوهشی بین رشته ای. دانشمندان اخلاق کاربردی در بیان منابع این گستره معرفتی سه دیدگاه دارند: درون نگری، بیرون نگری و تلفیق نگری^۱. گروه نخست، منابع درونی (هنجارها و ارزش های) حرفه و حوزه ای که اخلاق کاربردی به آن متعلق است کافی می دانند. گروه دوم بر منابع بیرونی و عام مانند هنجارهای اجتماعی، اخلاق جهانی، ارزش های دینی می نگرند و گروه سوم از هر دو منابع بهره می برد.^۲ اخذ رویکرد میان رشته ای مستلزم رهیافت تلفیق نگر به منابع است.

راهبردهای رشد اخلاق دانشگاه

به عنوان پیشینه مطالعات در رشد اخلاقی در ایران گزارش می شود که نگارنده با برخی از همکاران از سال ۱۳۸۴ تا کنون در چارچوب طرح های پژوهشی کاربردی دانشگاه تهران با صنعت و هلدینگ های بزرگ ایران مطالعات میان رشته ای را برای دست یابی به الگوی رشد اخلاقی سازمانها انجام داده است. گزارش این الگو پیش از این منتشر شده است (از جمله فرامرز قراملکی، ۱۳۹۴) و در دانشگاه الزهراء (برخورداری ۱۳۹۲)، نهاد کتابخانه های عمومی کشور (برخورداری ۱۳۹۷) و دوازده گروه صنعتی در صنایع معدن، خودرو، انرژی و فاینانس اجرا گردیده است. در همه این پروژه ها بر مطالعه تطبیقی در اخلاق حرفه ای صنعت مربوطه

1- internalism, externalism & mixed internalism and externalism

2- Beauchamp Tom, L., (2005) "The Nature of Applied Ethics", A Companion to Applied Ethics, edit. R.G. Frey and Christopher Heath Wellman, Oxford, Blackwell publishing.

در سازمان های موفق جهانی مانند ۵۰۰ شرکت برتر جهان فهرست فورچون و نیز رویکرد میان رشته ای پای بند بوده ایم. مطالعات و تجارب در سازمان های گوناگون علمی، فرهنگی و صنعتی نشان می دهد که برای رشد اخلاقی در دانشگاه شش راهبرد لازم است. برای دست یابی به اخلاق دانشگاه مدار نیازمند به رشد مستمر اخلاقی دانشگاه هستیم و آن عبور فن آورانه از موقعیت موجود اخلاقی دانشگاه (بد یا خوب) به موقعیت مطلوب (خوب یا عالی) قابل تحقق در برنامه زمانی معین است. پس رشد اخلاقی دانشگاه نیازمند به شش راهبر است و هر راهبرد نیازمند به چند فعالیت علمی و فن آورانه است. این راهبردها ترتب منطقی دارند و با ترتیبی که گزارش می شود، دستورنامه ای را به میان می آورند.

یک، شناخت قلمرو و گستره اخلاق در دانشگاه

شناخت قلمرو اخلاق در دانشگاه مهمترین راهبرد در رشد اخلاقی است. بیان مثالی می تواند اهمیت یاد شده را نشان دهد. اگر کسی که در مقام سیاستگذاری و برنامه ریزی ارزیابی کیفیت در آموزش عالی یا دانشگاه قرار می گیرد، قلمرو کیفیت در دانشگاه را آموزش بداند، ارزیابی کیفیت به ارزیابی کیفیت آموزش محدود خواهد شد اما اگر قلمرو کیفیت فراگیر دانسته شود، ارزیابی کیفیت شامل کیفیت آموزش، پژوهش، مدیریت و مانند آن ها خواهد بود. وقتی در مقام سیاستگذاری برای رشد اخلاقی دانشگاه قرار می گیریم نخستین سوالی را که باید پاسخ دهیم این است که قلمرو اخلاق در دانشگاه کجا است؟ اگر کسی بگوید قلمرو اخلاق دانشگاه استادان و دانشجویانند این تلقی فرو کاهش نگرانه سبب سیاستگذاری و برنامه ریزی ناموفق خواهد شد زیرا در اخلاق قانون ظروف متصل در مایعات حاکم است. غفلت از بخشی و پرداختن به بخش دیگری آسیب زا می گردد. مثلا اگر در تحلیل معضله اخلاقی کتاب سازی و سرقت علمی را تنها به سراغ اعضای هیات علمی برویم و نقش آیین نامه و فرایند ارتقاء را نبینیم، راه حل موفق نخواهیم داشت. معضله چندین ساله تمام وقتی اعضای هیات علمی و کارگریز عده ای از همکاران تمام وقت نمونه دیگری از این مسایل است.

قلمرو اخلاق در دانشگاه کجا است؟ جواب دقیق به این سوال این است که کجا قلمرو اخلاق نیست؟ اما این پاسخ تنها توجه به فراگیربودن قلمرو اخلاق در دانشگاه است و این شناخت اجمالی کافی نیست بلکه باید نقشه هوایی از قلمرو اخلاق در دانشگاه را در دست داشت. در ترسیم نقشه سه نکته مهم وجود دارد: یک اخلاق در دانشگاه هم شامل مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی در دانشگاه می شود و هم شامل هر مساله در هر موقعیت حرفه ای در دانشگاه می شود که آن مساله صبغه اخلاقی دارد. دو، مسئولیت اخلاقی در دانشگاه هم شامل افراد مانند دانشجو، استاد، عضو هیات علمی، کارکنان و مدیران و هم شامل سازمان های کلان و

خرد مانند مسئولیت دانشگاه، پردیس، دانشکده، گروه آموزشی، هیات ممیزه، انتشارات، و ... می شود. سه، مسئولیت های اخلاقی دانشگاه شامل همه افراد، گروه ها و عناصر در دو محیط درونی و بیرونی دانشگاه می شود. بر پایه این سه نکته می توان قلمرو اخلاق در دانشگاه را حداقل در پنج گستره تحدید کرد. درنگ در این قلمرو های پنجگانه وسعت شعار مهم دانشگاه اخلاق مدار را نشان می دهد. توجه به این قلمرو از طرفی راه را برای به میان آمدن ابزار ها و الگو های لازم هموار می کند و از طرف دیگر هم سرنوشتی را در زیست اخلاق در دانشگاه آشکار می کند.

۱. **رهبری دانشگاه:** امروزه تمایز رهبری از مدیریت از مباحث مهم در سازمان ا شده است. همانگونه که دیوید فرد چهار دهه پیش نشان داده است مسئولیت اخلاقی سازمان ها بر دوش رهبران و استراتژیست های سازمان است (دیوید، ۱۳۸۰، ص ۵۹). مسئولیت اخلاقی رهبران جهات گوناگونی دارد. در اینجا به بیان چهار جهت عمده بسنده می شود: الف، فضایل اخلاقی رهبران که امروزه مورد توجه جدی استراتژیست ها در جهان شده است (نمونه: آربینجر، ۱۳۹۶). رهبران سازمان نقش اسوه ای در سازمان دارند و بنا به مثل معروف عربی «الناس علی دین ملوکهم» منابع انسانی در سازمان به رویه و سبک رفتاری رهبران عمل می کنند. ب، ملاحظات اخلاقی در سیاستگذاری ها^۱ و ارزیابی اخلاقی^۲ اسناد بالا دستی و مقررات و فرایندها. ج، سنجش عینی اخلاق در انتصابات (امری که در جهان صنعتی جدی گرفته شده است). د، سیاستگذاری، هدایت، نظارت و حمایت مردم سالارانه از اخلاق در شئون گوناگون دانشگاه اعم از هیات ممیزه، انتشارات، پژوهش، آموزش و فرهنگ و رفاه. ه، پاسخگویی.

۲. **مدیریت پژوهشی، آموزشی، فرهنگی، امور دانشجویی، رفاه، بین الملل.**

۳. **خدمات کارشناختی پژوهشی، آموزشی، فرهنگی و رفاهی.**

۴. **فعالیت آموزشی اعضای هیات علمی مدیریت کلاس و تعامل استاد با دانشجو** شامل اخلاق در فرایند تعاملی یاددهی-یادگیری، اخلاق ارزشیابی، اخلاق هدایت پایان نامه و رساله و سایر پژوهش های مشترک.

۵. **فعالیت پژوهشی**

۶. **اخلاق در گروه آموزشی.** مدیریت اخلاقی گروه و اصلاح و ارتقاء اخلاقی مناسبات بین استادان در گروه آموزشی.

1- ethical considerations of policies

2- ethical/moral assessment

۷. دانشجویان. فعالیت های علمی دانشجویان و مناسبات آنان در محیط دانشگاه خوابگاه

۸. ارتباط دانشگاه با صنعت و سازمان ها.

سه، توجه به گوناگونی منابع در پژوهش در اخلاق دانشگاه. پژوهشگران اخلاق کاربردی در بیان منابع اخلاق کاربردی از جهات گوناگون مختلف دارند.

دو، سنجش وضعیت اخلاقی دانشگاه

برنامه ریزی برای رشد اخلاق هیچ سازمانی بدون شناخت تحلیلی و عینی وضعیت موجود اخلاقی آن سازمان امکان ندارد. شناخت وضعیت اخلاقی موجود هم از جهت اخلاقی سازمانی شامل اسناد بالا دستی، فرایند ها، شرح وظایف، ساختار و مناسبات سازمانی و هم از جهت اخلاق فردی (شامل خلق و رفتار) است و شامل همه عوامل در همه شئون حرفه ای سازمان است. سنجش علمی و عینی اخلاق نیاز به دانش، فن آوری و ابزار دارد. اخذ رویکرد رشته گریزانه سبب آسیب های جبران ناپذیر می شود و اقدامی به شدت ضد اخلاقی است. امروزه دانش و فن آوری تلفیق گرایانه در سنجش اخلاق وجود دارد. این سنجش بر اساس اصول اخلاقی عام، مانند اصول هفتگانه دیوید راس یا بر اساس اصول اخلاقی اجماع شده در حرفه آموزش عالی یا بر اساس اصول مورد توافق همه اعضای دانشگاه یا بر پایه آوزه های اسلامی یا بر اساس تلفیق منسجم) و نه التقاط) همه آن ها انجام می شود. همکاران فعال در اخلاق حرفه ای در دانشگاه تهران توانسته اند دانش، فن آوری و ابزارهای اولیه سنجش اخلاق را تولید کنند.

سه، تحلیل و تبیین بینا رشته ای نتیجه سنجش

جهت شناخت برتری ها و ضعف های اخلاقی و مواضع نیازمند به اصلاح، و نیز تحلیل زمینه ها و موانع درونی و تهدید ها و فرصت های بیرونی است. این تحلیل الگویی برآمده از تلفیق روشمند سه رویکرد عملیاتی، سیستمی و راهبردی است (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۸) و اثربخشی و کارآمدی آن نیازمند مطالعه بین رشته ای به ویژه جامعه شناسی اخلاق است.

چهار، ترسیم وضعیت مطلوب اخلاقی

در گرو چند مطالعه است: شناخت تحلیلی تجارب تمدن ایران باستان، آموزه های اسلامی، تجارب تمدن ایران اسلامی، تجارب مغرب زمین، ره آورد های دانش اخلاق آموزش عالی.

بررسی تطبیقی تجارب دانشگاه های بزرگ و موفق جهان. شناخت دیدگاه اعضای خانواده دانشگاه و ذی نفعان مشارکت حداکثری از طریق مشارکت حداکثری آنان. وضعیت مطلوب اخلاقی در سند یا نظام نامه اخلاقی ترسیم می شود. چنین سندی از اسناد حاکمیتی نیست و والا آن به قانون تبدیل می شود. به مهین دلیل تدوین، اجرا و نظارت بر این سند باید هویت مردم سالارانه داشته باشد. البته رهبران و مدیران دانشگاه به مثابه مسئولیت اخلاقی خود باید از آن حمایت کنند.

پنج، گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب

این گام بزرگ که هسته اصلی رشد اخلاقی است، نیازمند امورگوناگونی است: ۱. انتخاب و بومی سازی الگوی رشد اخلاقی و یا طراحی چنین الگویی متناسب با شرایط موقعیت معین که پیش از این بیان شد. ۲. تدوین برنامه های بهبود، باز مهندسی اخلاقی فرایندها، و باز ساختاری اخلاقی دانشگاه متناسب با یافته های سنجش اخلاق. ۳. تدوین برنامه آموزش موثر اخلاق متناسب با گوناگونی کاربران و نیازهای آنان به دانش، انگیزش، بازنگاری و مهارت های اخلاقی. پرداختن به آموزش اخلاق حرفه ای پیش از تدوین و اعتبار سنجی برنامه آموزشی می تواند آسیب زا باشد. ۴. اصلاح و تعالی اخلاقی فرهنگ سازمانی دانشگاه.

نتیجه

رشد اخلاقی دانشگاه به دانش اخلاق کاربردی متعلق است و از طریق مطالعه تطبیقی و رهیافت بین رشته ای می توان به الگوی نظری و عملیاتی آن دست یافت. رشد اخلاقی دانشگاه باید با هدف فراگیر و شامل همه بخش ها، همه منابع انسانی و دانشجویان و در همه شئون حرفه ای باشد. بر پایه تحلیل رخنه سنجی از طریق شناخت وضعیت موجود اخلاقی دانشگاه در همه شئون حرفه ای و ترسیم وضعیت مطلوب می توان الگوی عملیاتی بهبود، باز مهندسی فرایندها، بازنگاری منابع انسانی و نیز رشد مهارتهای رفتار اخلاقی و رشد فضایل خلقی را ترسیم کرد.

منابع

آرینبجر (موسسه)، (۱۳۹۶/۲۰۱۶)، فراتر از خود، ترجمه زاهد شیخ الاسلامی، تهران، اورنگ.
بر خورداری زینب، (۱۳۹۲)، پژوهش در وضعیت اخلاقی سازمانی دانشگاه الزهراء و تدوین الگوی رشد اخلاقی دانشگاه، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.

برخورداری زینب، (۱۳۹۷) تدوین سند جامع اخلاقی نهاد کتابخانه های عمومی کشور، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.

دیوید آر. فرد، (۱۳۸۰) مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر نشر پژوهش های فرهنگی.

سید مرتضی، (۱۳۶۹)، نهج البلاغه، به اهتمام و ترجمه محمد دشتی، قم، نشر امام علی(ع).
فرامرزی قراملکی احد و علی اکبر ناسخیان(۱۳۹۸)، قدرت انگاره، ویراست دوم، چاپ سوم، قم، نشر مجنون.

فرامرزی قراملکی احد(۱۳۹۸)، اخلاق حرفه ای، ویراست سوم، چاپ پانزدهم، قم، نشر مجنون.
منتظری غلامرضا، (۱۳۸۴)، شروط احراز مناصب دولتی در عصر عباسیان(قلمرو شرقی)، رساله دکتری به راهنمایی دکتر هادی عالم زاده، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

Beauchamp Tom, L., (2005) "The Nature of Applied Ethics", A Companion to Applied Ethics, edit. R.G. Frey and Christopher Heath Wellman, Oxford, Blackwell publishing.